



سنا

۲۰۶



بایستی که سلطنت اقبال حضرت صف آرای سکا نبرد باشد شمر در آن صفدر را از کز که ز چار نهیست آنچنان حوالا  
پس در کجا شکوه است می نامد امرای نصرت قین از چپین محی که تا انقضای علم اطنفا می فضا همای شهریاران و الاسکو و چیا  
مفخر جهانداران عالیقدر خواهد بود در تقدیم مراسم شکر پروردگار شدند و سایر عساکر فزونی تا شکرش کنجین و جمع عام  
استقام داشته ارکشه پشیمان و از غم حسرتین آمده و همیسا حسرتناج نزار پرکن میدان افتاده بودند که در چایب  
و از آنکه در کین در راهها با مال شده که شکر تو اند کرد و تا نزار پانصد فیل نامی در تصرف او ایلیای دولت قاسم در راه  
و طایفه از بهادران نصرت توان که چیتار کاشی کرده بسیاری از مخالفان را به تبع اسقام کذا اینده که کامیاب  
نصرت پناه سریرا معاودت نمودند و فرمانهای مان ازین عظیمه کبری آداب سپاس آری بجای آورده هر که امر از  
مهازان عساکر منصوره را بطولت پیکرانش اسما اختصاص کشید و در شای آنکه میرکی از بهادران یکوی خدمت بود  
حضور رسید که کامیاب درین دولت بکشت شاه قلیخان محرم سمور بسته بدگاه خلیق پناه آورده هر چند از  
پسین سید از بهالت پسین ناید با تو ای سخن سر اینی است یا مغلوب نجالت بود پسین از خود پسند در سر  
خان خانان از حضرت شناسی تمام پس نمود که این سپهر یارینا در ابدیت خود مکنده و بوسیله غزوات  
مدان ثواب و جزا فرمانندان خدیو حسد مندی خداوند خردمندان صغیرین با نقاب دانش خدا و دانسته  
در پرده چکانی بوده از سورش انکار مسکران اعتقاد مخلصان فراخی استند برای ایت ارباب سعادت بزبان  
حقایق حجاب کذا اینند که بکشتن اسیری که قاری هست عیدان نعت منید به و همانا که در بارگاه معدت حضرت  
احدیت نبر چسب کج رانای مرتب نباشد هر چند و تو همانان ده لوح استقام و الحاح شمر نمودند توجیه شناسی که نظر  
آمد باز هم این دریافت بلند که در بطون و راق اذمان آفاق از ان اثری نیست اما دانش روان را که کبریا سکون  
که این جز در نور با و خاطر مقدس ذات پاک کبی و سیاط بشری و وسایل ملکی از حضرت داد دانش افزین دانان نور  
معرفت تحقیقی باشد پدید نیاید چنانچه از حضرت انی این تحت نشین صورت و معنی روشن است و نیز بر معامله فغان ظالمین  
پیدا است که سرگاه بزرگ نهادی خدا شناسی مایه محبوب ایزدی رسیده باشد و دانده خلاف رضای او گردین  
خود را ترغیب زدنیت چو پی شیری قهرمان بسد کل او را بخاک مذلت و مغاک هلاکت اندازد چنانچه امر و بر مطالع  
کنندگان و زما چنانچه احوال این بادشاه سعادت اساس نظر میشود و او را کجا فرصت نیست که توجیه معنوی باطنی در خاکساری  
ارباب خلاف بردارد و بر تقدیر فرصت زمان رخصت خردمست و الای او بجا تجویز آن مکن که دمان اقدس ط